

مطالعات جغرافیایی مناطق خشک

دوره هشتم، شماره‌ی بیست و نهم، پاییز ۱۳۹۶

دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۰۹/۱۱ تأیید نهایی: ۱۳۹۶/۰۵/۰۲

صص ۱۰۳-۱۲۱

تفسیر معنایی روستاییان از پیامدهای ساخت سد مطالعه‌ی موردی: منطقه‌ی رودبار در استان‌های ایلام و لرستان

شفیعه قدرتی*، استادیار جمعیت‌شناسی-دانشگاه حکیم سبزواری

مهرداد زیدی، فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد علوم اجتماعی- پژوهشگری-دانشگاه حکیم سبزواری

چکیده

هدف از این پژوهش، درک معنای ذهنی روستاییان منطقه‌ی رودبار(در استان‌های لرستان و ایلام) از پیامدهای احداث سد و نیروگاه سیمره در استان ایلام است که با استفاده از روش کیفی و نظریه‌ی زمینه‌ای انجام شد. احداث سد در منطقه‌ی مورد مطالعه، ابعاد و پیامدهای مختلفی داشته و از زمان آگیری تا به حال تأثیرات زیادی بر زندگی روستاییان به‌جای گذاشته است. در مقابل، روستاییان نیز واکنش‌های مختلفی داشته‌اند؛ به‌طوری‌که برخی مهاجرت کردند و گروه دیگر مقاومت و ماندن در روستا را انتخاب نمودند. در این پژوهش پس از مصاحبه با بیست نفر از روستاییان، فرآیند کدگذاری و استخراج مقولات انجام شد. مقولات فرسایش اعتماد نهادی و تغییر سبک زندگی، مقولاتی هستند که در مطالعات پیشین نیز بدان‌ها اشاره نشده است. علاوه بر آن‌ها مهم‌ترین مقولات شامل مشکلات زیست‌محیطی، رکود و پسرفت اقتصادی و معیشتی، کاهش خدمات عمومی، نبود برنامه‌ریزی مناسب، آینده‌ی مبهم، معضلات مهاجرتی، کاهش انسجام اجتماعی، از بین رفتن پشتوانه‌های فرهنگی، ناامنی اجتماعی و نارضایتی از وضع موجود و تغییر سبک زندگی است. مصاحبه‌شوندگان، تمام پیامدهای ساخت سد در این منطقه را منفی ارزیابی کردند و احساس سردرگمی، ناامیدی، نگرانی از وضع موجود و آینده مفاهیمی است که گویای وضعیت روستاییان این منطقه است.

واژگان کلیدی: تحلیل کیفی، سدسازی، روستا، نظریه‌ی زمینه‌ای.

۱- مقدمه

امروزه پروژه‌های ساخت سدهای بزرگ به‌عنوان بخشی از طرح‌های عمرانی کشورها، مانند دیگر برنامه‌ها و فرآیندهای توسعه‌ای، بخش قابل‌ملاحظه‌ای از جمعیت کشورها را در سطوح ملی، منطقه‌ای و محلی تحت تأثیر پیامدهای مثبت و منفی خود قرار می‌دهد. تأثیرات مثبتی چون ایجاد اشتغال، مهار سیلاب و طغیان رودخانه‌ها، توسعه‌ی گردشگری، تغییر در سبک زندگی مردم متأثر در پایین و بالادست سدها را در پی خواهد داشت. بعد دیگر معطوف به پیامدهای منفی است که از آن‌ها تحت عنوان آسیب‌ها نیز یاد می‌شود از قبیل؛ از بین رفتن خانه و مسکن مردم مناطق مستغرق، از بین رفتن یا به‌هم‌خوردن نظام معیشت مردم و هزینه‌های ایجادشده‌ی اجتماعی ناشی از عدم دسترسی به امکانات و مهاجرت (احمدی اوندی و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۲-۲۷).

ارزیابی تأثیر اجتماعی^۱ شاخه‌ای از علوم اجتماعی است که به دنبال تحلیل منظم تأثیرات اقدام، برنامه، پروژه یا تغییر سیاست پیشنهادی در کیفیت زندگی روزمره‌ی افراد و اجتماعاتی است که محیطشان تحت تأثیر قرار می‌گیرد. تأثیرات (اثرات یا پیامدهای اجتماعی) به تغییراتی اشاره دارد که اقدام پیشنهادی در سطح اجتماعی یا فردی به بار می‌آورد و شیوه‌ی زندگی، کار و تفریح، روابط افراد با یکدیگر، نحوه‌ی برآوردن نیازهایشان و به‌طور کلی شیوه‌های انطباق‌شان به‌عنوان اعضای جامعه را تغییر می‌دهد (برج، ۱۳۸۹: ۲۶).

از جمله اقداماتی که منجر به تغییراتی گسترده در زندگی اجتماعی و جمعی می‌گردد، ساخت سد است. از آنجایی که جمعیت جهان در قرن اخیر از یک میلیارد و شصت و پنج میلیون نفر به بالای شش میلیارد نفر افزایش یافته است، تقاضا برای آب و انرژی به‌صورت تصاعدی افزایش داشته و دولت‌ها برای پاسخ‌گویی به این نیازها، سدهای بزرگی را برای تولید برق، آبیاری کشاورزی، کنترل سیل، ذخیره‌سازی آب برای سال‌های خشک و استفاده‌های متنوع دیگر ساخته‌اند؛ به‌گونه‌ای که بر مبنای گزارش شبکه بین‌المللی رودخانه‌ها، بر روی بیش از ۶۰ درصد رودخانه‌های اصلی جهان سد ساخته شده است (Aird, 2001: 24).

از مهم‌ترین مسائل در زمان اجرای سدها و پس‌از آن، ابعاد زیست‌محیطی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، روانی و بحث جابه‌جایی سکونت‌گاه‌هایی است که در پشت مخزن سد قرار می‌گیرند. این نوع جابه‌جایی با توجه به اینکه از روی اضطراب صورت می‌گیرد، به جابه‌جایی اجباری یا اسکان اجباری معروف است. ایجاد سدها باعث تغییر الگوهای کاربری اراضی، آب و سایر منابع طبیعی شده و می‌تواند در گستره‌ای وسیع تأثیرات منفی بگذارد. در زمینه‌ی شناسایی چالش‌های زیست‌محیطی در نواحی روستایی که می‌تواند تأثیرات فراوانی بر اقتصاد و اجتماع این نواحی بگذارد، خلأ شدیدی وجود دارد و اغلب این مطالعات در سطح کلان و صرفاً به معرفی چالش‌ها می‌پردازد (داود جمینی و همکاران، ۱۳۹۵: ۷۱-۸۷). همین دلیل می‌تواند ساختار اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و شبکه‌های مربوطه را از هم‌گسیخته و ارائه‌ی خدمات اجتماعی و غیره را نیز با مشکلاتی مواجه سازد (رحمتی و نظریان، ۱۳۸۹: ۵۴). بررسی‌های بانک جهانی از پروژه‌های اجرایی سد در میان سال‌های ۱۹۸۳ تا ۱۹۹۳ حاکی از آن بود که بر اثر ساختن ۳۰۰ سد بزرگ، سالانه ۴ میلیون نفر از مردم جابه‌جا شده‌اند (Namy & Evans, 2007: 12). مشکل اصلی در جابه‌جایی اجباری پیامدهای منفی آن در بُعد روانی، درونی و نیز در ابعاد بیرونی مثل فقر و کاهش سطح معیشت مردم و عدم دسترسی به امکانات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی چه قبل و چه بعد از جابه‌جایی است که با اهداف توسعه‌ای کشورهای در حال توسعه کاملاً در تضاد است.

در بعضی موارد که سن افراد بالاست و در حاشیه‌ی سدها به‌خصوص در دریاچه‌ی سد ساکن هستند و مجبور به مهاجرت می‌شوند، در برابر جابه‌جایی مقاومت می‌کنند. همین امر باعث کاهش عمده‌ی خدمات اجتماعی دولت‌ها به مردم این مناطق برای تحت فشار قرار دادن مردم و مهاجرت آن‌ها می‌شود که خود آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی

بسیاری را در پی دارد. علاوه بر این‌ها، زمانی که جابه‌جایی‌ها شدید باشند، اقتصاد محلی و منطقه‌ای با توجه به موقعیت مناطق تحت تأثیر، دچار ضعف می‌شود (رحمتی و نظریان، ۱۳۸۹: ۵۶).

پروژه‌ی سد سیمره یکی از سیاست‌هایی است که از سوی دولت در جهت توسعه انجام شد. این پروژه در سال ۱۳۷۶ شروع و در سال ۱۳۹۴ مورد بهره‌برداری کامل قرار گرفت. این مطالعه به منظور نزدیک شدن به تجربه‌ی زیست روستاییان پس از احداث سد انجام شد و تأکید آن بر پیامدهایی است که روستاییان تجربه می‌کنند. از آنجاکه هدف ما تفسیر معنای ذهنی روستاییان است و به دنبال درک و فهم آن‌ها از این تجربه هستیم، روش‌های تحقیق کمی مناسب نبوده و لازم است از روش‌های کیفی استفاده شود. پیش‌فرض تحقیقات کیفی این است که واقعیت در تعامل بین افراد و جهان اجتماعی آنان ساخته می‌شود. تحقیق کیفی نیز علاقه‌مند است تا معنایی را که ساخته می‌شود، درک نماید؛ چون از طریق این معنا، افراد تجربیات و دنیای خود را قابل فهم می‌سازند. همچنین برخلاف تحقیق کمی که بر اجزای یک پدیده، تحت عنوان متغیرها تمرکز دارد، تحقیق کیفی به دنبال توضیح این است که چگونه فعالیت اجزاء در ارتباط با یکدیگر کل را می‌سازند.

یکی دیگر از برتری‌های تحقیق کیفی آن است که محقق ابزار اصلی جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات است؛ بنابراین، اطلاعات از طریق ابزار انسانی جمع‌آوری می‌شوند، نه از طریق ابزار خشک مانند پرسش‌نامه و یا رایانه که در تحقیقات کمی کاربرد دارد. برتری دیگر تحقیق کیفی نسبت به کمی در این است که محقق، حضور نزدیک و فعال در میدان دارد تا در شرایط طبیعی به مشاهده رفتار بپردازد، ولی در تحقیق کمی با تمرکز بر فضاهای آزمایشگاهی و رعایت فاصله بین محقق و مورد مطالعه، شرایط طبیعی جمع‌آوری اطلاعات نقض می‌شود. همچنین از آنجایی که روش‌های کیفی می‌تواند تبیین علمی حقیقی از واقعیت و مسائل اجتماعی به ما بدهند، پس در سطح موضوعات و روابط اجتماعی-سیاسی به واسطه‌ی پیچیدگی‌شان، روش‌های کیفی بیش از روش‌های کمی نتیجه‌بخش خواهد بود (فلیک، ۱۳۹۲: ۳۹).

اجرای پروژه‌ی سد سیمره به‌عنوان یکی از طرح‌های عمرانی کشور، مانند دیگر برنامه‌ها و فرآیندهای توسعه‌ای، پیامدهای مثبت و منفی داشته است. در این مقاله نیز با ارزیابی این پیامدها سعی بر آن است تا پس از ارائه‌ی تصویری درست از وضعیت قبل و بعد از اجرای پروژه، اثرات مهم آن مشخص و مورد ارزیابی قرار گیرد.

۲- پیشینه‌ی پژوهش

در این بخش به مرور پژوهش‌های پیشین پیرامون پیامدهای پروژه‌های سدسازی در مناطق مختلف می‌پردازیم. ابتدا تحقیقات داخلی و پس از آن تحقیقات خارجی به‌طور خلاصه بررسی می‌گردد.

حمیدیان (۱۳۸۸) در پژوهشی پیامدهای اجتماعی و اقتصادی سد خاکی کمیز سبزواری بر روی روستاهای مجاور سد را بررسی نمود و از روش پیمایشی کمک گرفته است. نتایج نشان می‌دهد که این سد در هر دو حوزه اجتماعی و اقتصادی دارای ابعاد مثبتی بوده است.

میرزایی و همکاران (۱۳۹۰) در مطالعه‌ای به روش کیفی، ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و طبیعی حوضه‌ی بالادست سد کارون ۳ و ۴ و گتوند علیا را بررسی نمودند تا راه‌های کاهش یا جلوگیری از بروز مسائل اجتماعی ناشی از احداث سد و انتقال جمعیت ساکن در روستاهای منطقه شناسایی شود. یافته‌های این تحقیق حاکی از وجود پیامدهای اجتماعی و اقتصادی برای مردم است که عبارت‌اند از؛ نابودی زمین‌های کشاورزی، نابودی منابع درآمدی، سرگردانی و بلاتکلیفی مردم، از بین رفتن همبستگی قومی، تشدید اختلافات قومی و کاهش ارائه‌ی خدمات عمومی.

ملیک‌حسینی و میرک‌زاده (۱۳۹۱) تحقیقی با عنوان «بررسی آثار اجتماعی و اقتصادی سد سلیمان‌شاه در سنقر» انجام داده‌اند. روش پژوهش کمی-کیفی است و نتایج آن بر روی مردم تحت تأثیر را از دست دادن تعلقات اجتماعی و فرهنگی مانند نابودی بناها تاریخی و مقبره‌ها، نابودی زمین‌های مرغوب، نابودی خانه‌ها، نابودی شغل‌های اولیه (کشاورزی) و تصرف زمین‌های مرغوب کشاورزی با قیمت کم اعلام نموده‌اند.

احمد اوندی و همکاران (۱۳۹۳) به ارزیابی اجتماعی و فرهنگی پروژه‌ی سد کارون ۳ به کمک روش کیفی پرداخته‌اند. یافته‌های تحقیق حاکی از تأثیرات منفی سد در زمینه‌ی مهاجرت، نابودی زمین‌های کشاورزی، افزایش فقر و بیکاری، ایجاد مسائل روانی، از بین رفتن آداب و رسوم سنتی، ایجاد اشتغال کاذب، نابودی بناهای تاریخی و فرهنگی، کاهش همبستگی‌های قومی و خویشاوندی و از بین رفتن هویت و ویرانی نظام معیشتی سنتی مردم منطقه بوده است. طاهری صفر و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «ارزیابی اثرات اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی احداث سد بار نیشابور» بر مبنای دو گزینه‌ی عدم اجرا و اجرای پروژه به این نتایج دست یافتند که گزینه‌ی عدم اجرای پروژه در مجموع ۴۸ امتیاز منفی و گزینه‌ی اجرای پروژه با انجام اقدامات اصلاحی ۱۵۱ نمره مثبت کسب نمود و بدین ترتیب اجرای پروژه در مجموع به‌صرفه‌تر و بهتر بوده است تا عدم اجرای آن.

امینی و گفتاری (۱۳۹۶) در پژوهشی به روش کیفی - کمی به ارزیابی تأثیرات سد زاوه بر روستاهای هم‌جوار پرداختند. این تحقیق حاکی از آن است که ساکنین منطقه تحت تأثیر سد، ایجاد پروژه سد را برای خود و وضعیت معیشتی و کشاورزی‌شان یک مخاطره تلقی می‌کنند که منجر به نابودی منابع کشاورزی شده است.

حسینی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهش به بررسی اثرات اجتماعی و اقتصادی طرح جابه‌جایی و اسکان مجدد در روستای بلوچ‌آباد گالیش پرداخته‌اند. تحقیق به روش کمی است و نتایج نشان می‌دهد طرح جابه‌جایی باعث فاصله گرفتن از زمین‌های کشاورزی، افزایش قیمت زمین‌های کشاورزی و افزایش کیفیت زندگی روستاییان نیز شده است.

مک کولی^۲ (۱۹۹۶) در مطالعه‌ی در مورد مهم‌ترین آثار اجتماعی منفی پروژه‌های توسعه‌ی منابع آبی، تغییر مکان یا تغییر محل اقامت اجباری یا داوطلبانه مردم را اعلام نموده است.

آگویی^۳ (۲۰۰۵) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی اجتماعی جوامع تحت تأثیر قرار گرفته توسط سد چیکسوی» به این نتایج دست یافت که خطرات اجتماعی و اقتصادی زیادی برای این جوامع به بار آمده که می‌توان به اختلاف بین مردم متأثر از سد، از بین رفتن خانه‌ها و زمین، جابه‌جایی، تخریب راه‌ها و مسیرهای ارتباطی، مشکلات تأمین منابع آب، مشکلات بهداشتی و آلودگی ماهی‌ها اشاره کرد.

هدامین و تیلت^۴ (۲۰۰۸) در بررسی اثرات سدهای بزرگ‌مقیاس، یک دامنه از اثرات اجتماعی مشترک بین سدهای بزرگ‌مقیاس را ذکر نمودند که عبارت‌اند از: مهاجرت و اقامت در یک مکان دیگر، تغییرات در ساختار اقتصادی و سیستم استخدامی، اثرات بر روی سلامت مردم، نسبت‌های جنسیتی و فرهنگ، اثرات روی سیستم حمل‌ونقل، ترابری و مسکن.

مرور تحقیقات پیشین نشان می‌دهد که مطالعات پیرامون پیامدهای احداث سد، به دو روش کیفی و کمی انجام شده است. در بررسی پیامدها، ابعاد اقتصادی و زیست‌محیطی، بیش از دیگر ابعاد مورد توجه و بررسی قرار گرفته است و از پرداختن به مسائل ذهنی و ابعاد پنهانی که روستاییان با آن‌ها درگیر هستند، غفلت شده است.

منطقه‌ی مورد مطالعه در تحقیق حاضر به لحاظ وجود چهار قومیت، لک، لر، کرد و عرب‌زبان یکی از مناطق خاص قومیتی محسوب می‌شود که این امر جابه‌جایی و مهاجرت و ادغام در منطقه‌ی جدید را، به‌خصوص برای قوم عرب‌زبان، با مشکلات فراوانی همراه می‌سازد و شناخت پیامدهای احداث سد در این منطقه با هدف کاهش پیامدهای منفی آن، امری ضروری به نظر می‌رسد. با توجه به آنچه گفته شد، اهداف پژوهش حاضر بدین قرار است:

هدف اصلی تحقیق: مردم روستا پیامدهای سدسازی را چگونه تفسیر و معنا می‌کنند؟

اهداف فرعی تحقیق:

۱. مردم روستا پیامدهای اقتصادی سدسازی را چگونه تفسیر و معنا می‌کنند؟

2- McCally

3- Aguirre

4- Tilt and Hedamin

۲. مردم روستا پیامدهای فرهنگی سد را چگونه تفسیر می‌کنند؟
۳. مردم روستا پیامدهای اجتماعی سد را چگونه تفسیر می‌کنند؟
۴. مردم روستا وضعیت آینده خود را در پی تغییرات ایجاد شده ناشی از سد چگونه تفسیر می‌کنند؟

۳- مبانی نظری پژوهش

منظور از تأثیر و پیامدهای سدسازی، تغییرات مهم یا پایدار در زندگی مردم است که در نتیجهی عمل معین یا مجموعه‌ی اعمال معینی به وجود می‌آید. به عبارت دیگر، منظور از تأثیر اجتماعی، نتایج و پیامدهای اجتماعی و فرهنگی طرح است که شیوه‌ی زندگی، کار، تفریح، نیازهای اجتماعی و بهداشتی و آموزشی، ارتباطی، تأمین نیازها و ایفای نقش آن‌ها را به عنوان اعضای جامعه تحت تأثیر قرار دهند (روچ^۵، ۱۳۸۷: ۴۱).

در مطالعه‌ی پیامدهای سدسازی، می‌توان از منظر توسعه‌ی روستایی و کیفیت زندگی روستایی به پدیده نگریست. یکی از مؤلفه‌های توسعه‌ی روستایی، کیفیت زندگی روستاییان است. جانسون^۶ (۲۰۰۲) چند قلمرو شامل وضعیت کار و شغل، دسترسی به مدارس، دسترسی به خدمات بهداشتی، امنیت فردی و سیاسی، مشارکت سیاسی و... را از مؤلفه‌های توسعه و کیفیت زندگی روستایی برمی‌شمارد (به نقل از احمدی اوندی و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۲-۲۷). یکی از مباحثی که می‌تواند سطح و کیفیت زندگی مردم را تحت تأثیر قرار دهد، نوع نگرش و ذهنیت آنان نسبت به مسائل است. در اینجا اولویت با درک کنش‌های تفسیری مردم نسبت به پدیده است و برای فهم این نگرش‌ها باید از پژوهش‌های کیفی استفاده نمود.

در بحث پیامدهای سدسازی، هاردوی و ساترتویت^۷ معتقدند در گذشته، اسکان مجدد و جابجایی از بالا به پایین و دولت‌محور بوده و از مشارکت عمومی امتناع نموده است که خود منجر به بروز مسائل اجتماعی می‌شود. شاخص‌های پایش بررسی (کارایی بالقوه) برنامه‌های اسکان مجدد از دیدگاه بانک جهانی در سال‌های ۱۹۹۳ و ۱۹۹۶ شامل موارد زیر است:

- میزان برخورداری جامعه تحت تأثیر چگونه است؟
- آیا افراد جابجا شده در خانه‌های نو اسکان یافته‌اند؟
- آیا اقدامات کمکی برای جوامع میزبان اجرا شده است؟
- آیا اقدامات مرمتی و بازسازی برای زیرساخت‌های اجتماعی و خدماتی انجام شده است؟
- آیا جوامع اسکان مجدد یافته قادر به دسترسی به مدارس، خدمات، بهداشت و مکان فعالیت‌های فرهنگی هستند؟

- چه تغییراتی در الگوهای اشتغال، تولید و استفاده از منابع نسبت به وضعیت قبلی رخ داده است؟
- چه تغییراتی در هزینه‌های زندگی و درآمد نسبت به قبل از اجرای پروژه ایجاد شده است؟
- در پارامترهای اجتماعی و فرهنگی چه تغییراتی در ارتباط با استانداردهای زندگی رخ داده است؟
- چه تغییراتی برای گروه‌های آسیب‌پذیر رخ می‌دهد؟ (برج، ۱۳۸۹: ۱۰۵).

۴- محدوده مورد مطالعه

منطقه‌ی مورد مطالعه می‌تواند یک‌راه ارتباطی نزدیک و مناسب بین استان ایلام و لرستان باشد؛ زیرا فاصله‌ی حوضه‌ی روستاهای لرستان تا مرکز استان ایلام تنها ۴۰ دقیقه است. همچنین این منطقه به لحاظ پوشش گیاهی، آب‌وهوا و وجود رودخانه، منبع بالقوه‌ای برای جذب گردشگر به حساب می‌آید. این منطقه به لحاظ وجود چهار قومیت،

5- Rouch

6- Janson

7- Hardoy and Satterthwaite

لک، لرد و عرب‌زبان یکی از مناطق خاص قومیتی محسوب می‌شود. منطقه‌ی لک‌زبان رودبار واقع در جنوب غربی شهرستان کوهدشت در استان لرستان و منطقه‌ی کرد و عرب‌زبان واقع در شمال شرقی شهرستان سیروان در استان ایلام قرار دارد.

رودخانه‌ی سیمره در حال حاضر به لحاظ تقسیمات کشوری بیشترین مرزبندی را مابین دو استان لرستان و ایلام در حدود ۱۵۰ کیلومتر دارا است. این رود، مرز نه‌تنها سه قوم مختلف کرد، عرب و لک، بلکه مرز دو شهرستان بزرگ این استان‌ها یعنی شهرستان کوهدشت در استان لرستان و شهرستان سیروان در استان ایلام است. تعداد روستاهای تحت تأثیر مستقیم این سد در استان لرستان و (شهرستان کوهدشت) ۱۰ روستا و در استان ایلام (شهرستان سیروان) ۵ روستاست که مختصات جمعیتی این روستاها در جداول ۱ و ۲ ارائه شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، در مجموع پانزده روستا از دو استان و با چند قومیت مختلف تحت تأثیر مستقیم این پروژه قرار گرفته‌اند که در این میان با توجه به مقایسه‌ی دو وضعیت قبل و بعد از اجرای پروژه جمعیت قابل چشم‌گیری از این روستاها به‌اجبار مهاجرت نموده‌اند. از مجموع ۹۳۸ خانوار قبل از اجرای پروژه، با کاهش ۲۰۶ خانواری، فقط ۷۳۲ خانوار باقی مانده است که آن‌ها نیز در حال مهاجرت و تحت تأثیرات اثرات بسیار منفی احداث سد که در ادامه به آن‌ها اشاره خواهد شد، قرار گرفته‌اند و زندگی فعلی آن‌ها به‌شدت مختل شده است.

جدول ۱: آمار جمعیتی روستاهای لک‌زبان رودبار، منطقه مربوط به استان لرستان

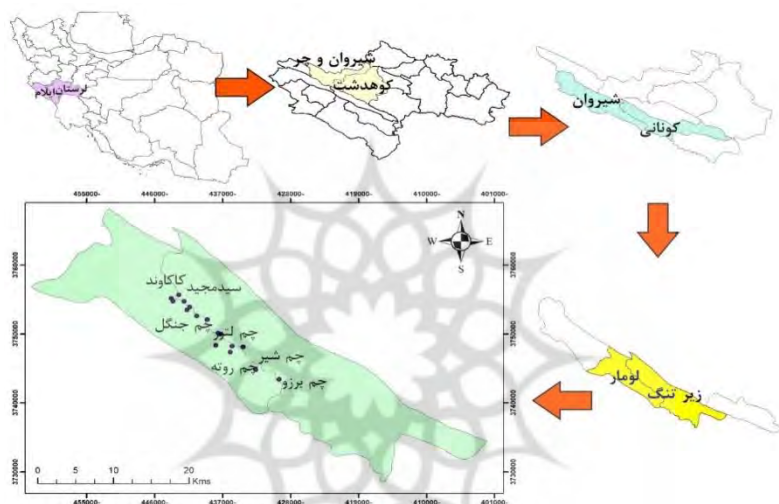
سرشماری سال ۹۵ بعد از آبیگیری سد				سرشماری سال ۹۰ قبل از آبیگیری سد				نام روستا
جمعیت کل	زن	مرد	خانوار	جمعیت کل	زن	مرد	خانوار	
۱۱	۴	۷	۲	۵۹۳	۲۸۱	۳۱۲	۱۳۲	چم برزو
۳۶۳	۱۶۲	۲۰۱	۴۰	۴۱۲	۱۸۳	۲۲۹	۵۷	چم نقدعلی
۱۲۸	۵۵	۷۳	۲۵	۱۴۷	۶۱	۸۶	۳۲	قبر محمد مراد
۱۲۱	۵۰	۷۱	۳۰	۱۶۴	۷۵	۸۹	۳۹	چم لتور
۱۶۵	۷۴	۹۱	۴۱	۲۲۶	۸۹	۱۳۷	۴۷	چم میربگ
۱۰۷	۴۸	۵۹	۲۷	۱۵۹	۶۳	۹۶	۳۶	رودبار حسین بگ
۸۳	۳۹	۴۴	۲۰	۱۲۵	۴۹	۷۶	۲۴	سرگنداب
۱۳۴	۵۷	۷۷	۲۹	۲۱۱	۷۹	۱۳۲	۴۳	سیاه کمر زالی
۲۳	۱۰	۱۳	۷	۴۳	۱۵	۲۸	۹	کاکاوند راه
۱۸	۷	۱۱	۶	۵۴	۲۳	۳۱	۱۰	سید مجید
۱۱۵۳	۵۰۶	۶۴۷	۲۲۷	۲۱۳۴	۹۱۸	۱۲۱۶	۴۲۹	جمعیت کل

جدول ۲: آمار جمعیتی روستاهای عرب و کردزبان رودبار، منطقه مربوط به استان ایلام

سرشماری سال ۹۵ بعد از آبیگیری سد				سرشماری سال ۹۰ قبل از آبیگیری سد				نام روستا
جمعیت کل	زن	مرد	خانوار	جمعیت کل	زن	مرد	خانوار	
۹۵۶	۴۶۱	۴۹۵	۱۹۱	۹۶۱	۴۵۴	۵۰۷	۱۹۳	چم شیر
۸۴۷	۳۸۷	۴۶۰	۱۶۹	۸۵۶	۳۹۰	۴۶۶	۱۷۱	چم رونه
۱۵۲	۶۹	۸۳	۳۷	۱۶۲	۷۲	۹۰	۴۰	دار بلوط
۲۳۰	۹۴	۱۳۶	۵۹	۲۱۷	۸۸	۱۲۹	۵۴	چم جنگل
۲۶۲	۱۲۵	۱۳۷	۴۹	۲۷۱	۱۲۲	۱۴۹	۵۱	ظهیری
۲۴۴۷	۱۱۳۶	۱۳۱۱	۵۰۵	۲۴۶۷	۱۱۲۶	۱۳۴۱	۵۰۹	جمعیت کل

۴-۱- مشخصات و موقعیت سد و نیروگاه سیمره و منطقه‌ی مورد مطالعه

سد و نیروگاه سیمره در جنوب غربی کشور در فاصله‌ی ۶۴۰ کیلومتری پایتخت و در مدار ۴۷/۱۲ طول شرقی و ۴۷/۱۷۷ عرض شمالی است که در مسیر رودخانه‌ی سیمره و در شمال شرقی استان ایلام در شهرستان بدره با فاصله‌ی ۲۰ کیلومتری، در روستای تلخاب و در جنوب غربی استان لرستان در شهرستان کوهدشت با فاصله‌ی ۴۷ کیلومتری در روستای رودبار قرار گرفته است. سد به لحاظ مشخصات فیزیکی از نوع بتونی دو قوسی با ارتفاع از پی ۱۸۰ متر و طول تاج ۲۰۲ متر، عرض در پی ۲۸ متر و عرض در تاج ۶ متر است که دارای دو دریچه با پرتاب‌کننده‌ی جامی و توانایی تخلیه‌ی ۵۷۶۳ مترمکعب بر ثانیه و حجم مخزن ۳۲۰۰ میلیون مترمکعب است. مساحت دریاچه ۶۷/۲ کیلومترمربع است که در سال ۱۳۷۶ آغاز به عملیات ساخت نمودند و در سال ۱۳۹۴ به بهره‌برداری رسید. لازم به ذکر است که جابجایی روستاییان از سال ۱۳۹۱ آغاز شده است. تمام مشخصات فوق نشانگر عظمت طرح و محدوده‌ی وسیع متأثر از آن است که نیازمند توجه و برنامه‌ریزی بیشتر برای مردم و روستاهای حاشیه‌ی این پروژه است.



شکل ۱: موقعیت جغرافیایی استان، شهرستان و روستاهای مورد مطالعه در محور سد سیمره

۵- روش‌شناسی تحقیق

روش مورد استفاده در این پژوهش، کیفی و مبتنی بر نظریه‌ی زمینه‌ای^۸ است. نظریه‌ی زمینه‌ای یک نظریه‌ی مسئله‌محور و مبتنی بر ارتباط دادن مراحل و گام‌هایی است که به ایجاد ساختار نظری یک مسئله کمک می‌کند. در فرآیند ساخت یک نظریه‌ی زمینه‌ای، داده‌های گردآوری‌شده به مفاهیم یا کد تبدیل می‌شوند و در یک پیوستار^۹ فرآیندی به هم متصل می‌شوند. این نظریه، یک نظریه‌ی برد متوسط، انتزاعی و مبتنی بر یک متغیر تحلیلی هسته‌ای است (گلیسر^۹، ۱۹۶۷، اسکرایبر^{۱۰} ۲۰۰۱، به نقل از محمد پور و ایمانی، ۱۳۸۷: ۲۱۳-۱۹۱). در بیش‌تر مطالعات و تحقیقات اجتماعی استفاده از اسناد و مدارک اجتناب‌ناپذیر است؛ زیرا هر پدیده اجتماعی یا در گذشته روی داده یا ریشه در گذشته دارد (طالب، ۱۳۹۱: ۱۴۸). اسناد و مدارک به کار گرفته‌شده در این تحقیق شامل کتاب‌ها، مجلات و مقاله‌ها، گزارش‌ها، آمارنامه‌ها، نقشه‌ها و اطلاعات اینترنتی است.

8- Grounded Theory

9- Glaser

10- Schreiber

روش گردآوری اطلاعات در این تحقیق، روش مصاحبه است. در تحقیق کیفی، تکنیک عمده‌ی مورد استفاده برای جمع‌آوری داده‌ها، مصاحبه‌ی عمیق^{۱۱} است. در مصاحبه‌ی عمیق، محقق می‌تواند کنترل بیش‌تری روی ساخت داده‌ها داشته باشد. در اینجا مصاحبه یک گفتگوی جهت داده‌شده است (Patton, 1987: 110). در این تحقیق با ۲۰ نفر از روستاییان در منطقه‌ی مورد نظر مصاحبه شد. منطق انتخاب گروه نمونه بدین صورت بوده است که ابتدا اولویت انتخاب نمونه با روستاهایی بوده است که بیش‌ترین تأثیر و کم‌ترین فاصله را با مخزن سد و حوضه‌ی دریاچه‌ی سد داشته‌اند. در مرحله‌ی بعد با روستاهایی که هم ویژگی بالا را داشته و هم از لحاظ جمعیتی، جمعیت بیش‌تری را داشته‌اند و سپس در بین ساکنین این روستاها با گروه سنی که اکثراً سرپرست خانواده و درگیر با مسائل مربوط به سد بوده‌اند، مصاحبه شده است. روش نمونه‌گیری در این تحقیق نمونه‌گیری نظری است. در این روش، تحلیل‌گر به‌طور هم‌زمان داده‌هایش را گردآوری، کدگذاری و تحلیل می‌کند و تصمیم می‌گیرد که چه داده‌هایی را در مرحله‌ی بعد گردآوری و آن‌ها را کجا پیدا کند تا بدین وسیله نظریه‌اش را در حین شکل‌گیری‌اش تدوین کند. نظریه‌ی در حال تدوین، فرآیند گردآوری داده‌ها را کنترل می‌کند (فیلیک، ۱۳۹۲: ۱۳۸-۱۳۹).

پرسش‌های مطرح‌شده در طول مصاحبه شامل پنج مورد زیر است. لازم به ذکر است که در حین مصاحبه برای افزایش غنای اطلاعات، سؤالات دیگری بسته به شرایط مطرح شده است.

- ۱- وقتی کلمه‌ی سد را می‌شنوید، یاد چه چیزهای می‌افتید؟
- ۲- اگر قرار بود برای احداث سد در جایی مثل منطقه‌ی خودتان تصمیم می‌گرفتید، چه کاری انجام می‌دادید؟
- ۳- از وقتی سد احداث شده و به بهره‌برداری رسیده است، زندگی شما چه تغییری کرده است؟
- ۴- به نظر شما چگونه امکان دارد هم سد اجرا شود و هم شما دچار ضرر و زیان ناشی از احداث سد نشوید؟
- ۵- اگر زندگی شما دچار تغییر ناشی از اجرای سد شده است، فکر می‌کنید برای بهتر شدن وضعیت زندگی چه کاری بهتر است انجام دهید؟

در مطالعات کیفی و به‌ویژه در نظریه‌ی زمینه‌ای، جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها درهم‌تنیده است و به‌طور هم‌زمان انجام می‌شود تا بتواند به پیدایش نظریه مستقر در داده‌ها کمک کند (فراستخواه، ۱۳۹۵: ۱۴۷). در مطالعه‌ی حاضر، فرآیند کدگذاری و تفسیر داده‌ها در حین نمونه‌گیری و جمع‌آوری داده‌ها انجام شد. تفسیر داده‌ها و واکاوی آن‌ها در هر مرحله به انتخاب نمونه‌های بعدی کمک نمود. در تحقیق کیفی، روش‌های مختلفی برای تجزیه و تحلیل داده‌ها وجود دارد. یکی از این روش‌ها، کدگذاری نظری است که در نظریه‌ی زمینه‌ای کاربرد فراوانی دارد. برای بیرون کشیدن کدها و مفاهیم از سه روش کدگذاری استفاده می‌شود: کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی.

اولین مرحله، کدگذاری باز است. این مرحله به فرآیند تحلیلی اطلاق می‌شود که طی آن، مفاهیم شناسایی شده، خصیصه‌ها و ابعادشان در داده‌ها کشف می‌شود. در این مرحله داده‌ها شکسته می‌شود و بعد از هر جمله یا کلمه پاسخ-گو، استنباط محقق نوشته می‌شود. سپس مرحله برچسب‌گذاری را انجام می‌دهیم؛ یعنی به هر کلمه، متن و یا پاراگراف یک برچسب یا معنا و مفهوم می‌دهیم. در این مرحله ما متن را باز و به یک تعداد مفهوم می‌رسیم آن مفاهیمی که مشابه هستند، دسته‌بندی می‌شوند و آن‌ها را در یک مفهوم انتزاعی‌تر به نام مقوله قرار می‌دهیم. دومین مرحله کدگذاری محوری است که در واقع فرآیند اتصال مقوله‌ها به زیر مقوله‌ها ((محوری)) نامیده می‌شود. سومین مرحله کدگذاری، کدگذاری انتخابی است. این نوع کدگذاری فرآیند یکپارچه‌سازی و پالایش مقوله‌ها است (Strauss & Corbin, 1998: 105-110).

لازم به ذکر است در مرحله‌ی تفسیر و تحلیل داده‌ها بسته به اهداف تحقیق می‌توان از یک یا تمام مراحل مذکور استفاده نمود. چنانچه هدف تحقیق، نظریه‌سازی از داده‌های جمع‌آوری شده باشد، لازم است مراحل سه‌گانه انجام شود. اما هدف از مطالعه‌ی حاضر، بررسی پیامدهای ساخت سد بر روستاییان است؛ بدین ترتیب در مرحله‌ی تجزیه و تحلیل

یافته‌ها از مرحله‌ی اول کدگذاری استفاده شد. بدین ترتیب، ابتدا پس از اتمام مصاحبه، متن مصاحبه باز شد و به جملات مجزا از هم تجزیه شد. کدها و برجسب‌ها، بنا به استنباط محققین به جملات داده شد، سپس با دسته‌بندی کدها و برجسب‌های مشترک در قالب یک مقوله، مقولات استخراج شد. به‌عنوان مثال جملات زیر که در طی مصاحبه بیان شده است، بدین‌صورت کدگذاری گردید:

بعد از جابه‌جایی نمی‌دانیم چه بر سر زندگی خودمان و فرزندمان می‌آید (ترس از آینده)، وضعیت زندگی چگونه رقم می‌خورد (آینده‌ی مبهم). هیچ پیشنهادی از طرف مسئولین در مورد زندگی آینده به ما نشده است (احساس بلا تکلیفی).

در نهایت نیز این کدها را در یک مقوله‌ی کلی‌تر به نام ابهام از آینده قرار داده است. برای رسیدن به معیار قابلیت اعتماد در مطالعات کیفی، از سه تکنیک استفاده می‌شود: یکی از آن‌ها اعتباریابی توسط اعضاء یا روش ارتباط با کنشگران است که از کنشگران می‌خواهیم تا یافته‌های کلی را ارزیابی کرده و در مورد صحت آن نظر بدهند. در روش دوم که مقایسه‌ی تحلیلی نامیده می‌شود به داده‌های خام رجوع می‌کنیم تا ساخت‌بندی نظریه با داده‌های خام مقایسه و ارزیابی گردد و روش سوم استفاده از تکنیک ممیزی است که در آن از چند متخصص در کار نظریه‌ی زمینه‌ای می‌خواهیم در تمام مراحل کدگذاری، مفهوم‌سازی و استخراج مقولات نظارت داشته باشند (فیلیک، ۱۳۹۲: ۴۱۱). قابلیت اعتباریابی هم توسط خود اعضاء مصاحبه‌شده استفاده شده است؛ به‌نحوی که بعد از اتمام مصاحبه و تحلیل یافته‌ها، مجدداً از آن‌ها خواسته شد که نظر خود را در مورد صحت یا عدم صحت یافته‌ها ارائه کنند و هم از روش ممیزی که در تمام مراحل کدگذاری بر روی نحوه و انجام مراحل مصاحبه، دو نفر متخصص و آشنا به فرآیند نظریه‌ی کیفی نظارت داشته‌اند.

۶- یافته‌های تحقیق

در این تحقیق تمام پاسخ‌گویان، مردان متأهل و سرپرست خانواده بودند. ۵ نفر از پاسخ‌گویان از تحصیلات لیسانس و بالاتر برخوردار هستند. ۱۱ نفر سیکل و تحصیلات ابتدایی و چهار نفر نیز کاملاً بی‌سواد هستند. سن پاسخ‌گویان از ۳۵ سال تا ۶۵ سال است. این گروه بیست‌نفره از هر سه منطقه‌ی کرد، عرب و لک‌زبان انتخاب شده‌اند که در مجموع، ۶ نفر عرب‌زبان، ۸ نفر لک‌زبان و ۶ نفر کردزبان بوده‌اند.

در این بخش نتایج تحلیل داده‌ها ارائه می‌شود. تحلیل داده‌ها به روش تحلیل خرد و سطر به سطر صورت گرفته و پس از انتزاع مفاهیم از گزاره‌ها، آن‌ها را با یکدیگر مقایسه و مفاهیم مرتبط تحت عنوان یک مفهوم کلی‌تر به‌عنوان مقوله، یکپارچه می‌شوند. تمامی مفاهیم به‌دست آمده تحت پوشش دوازده مقوله قرار گرفتند. جدول ۳، نتایج تحلیل داده‌ها را نشان می‌دهد.

جدول ۳: تقسیم‌بندی مفاهیم و مقولات مستخرج از آن‌ها

مقوله‌ها	مفاهیم
مشکلات زیست‌محیطی	قطع درختان- نایاب شدن گونه‌های حیات وحش- آلوده شدن آب‌های سطحی- گل شدن زمین‌های مرغوب- بلااستفاده ماندن زمین‌های مرغوب
رکود اقتصادی و معیشتی	افزایش بیکاری- کاهش شغل‌های فصلی- دلسردی از کار- مشکلات دامداری- مشکلات کشاورزی- بدهکاری مردم- ورشکستگی- کاهش تولیدات- ضررهای مالی
کمبود خدمات عمومی	مشکلات ارتباطی- مشکل آب آشامیدنی- مشکل بهداشت- مشکل تلفن و اینترنت- نداشتن مدرسه مناسب.

عدم ارائه‌ی برنامه‌های درست - نبود متخصص - جانمایی بد سد - تملک بدون برنامه - بهره‌برداری بی‌موقع - برنامه صرفاً از بالا - نبود نظارت بر مجریان سد - مشورت نکردن با مردم - آگاهی نداشتن به نیازهای مردم - اطلاع‌رسانی نکردن در خصوص ارائه‌ی برنامه‌ها به مردم.	نبود برنامه‌ریزی مناسب
ابهام و ترس از آینده - کاهش پس‌انداز برای آینده - احساس بلا تکلیفی	آینده‌ی مبهم
مهاجرت اجباری - مهاجرت جوانان (نیروهای مولد) - ماندن کهن‌سالان (گروه‌های مصرف‌کننده) - آواره شدن - ایجاد شغل‌های کاذب - افزایش حاشیه‌نشینی	معضلات مهاجرتی
بدبینی نسبت به هم - کاهش مشارکت‌های گروهی - تنها ماندن و احساس تنهایی (سالمندان) - بر هم خوردن نظام‌های سنتی - تبعیض	کاهش انسجام اجتماعی
نابودی بناهای تاریخی و مذهبی - از بین رفتن هویت - کم‌رنگ شدن رسم و رسومات	از بین رفتن پشتوانه‌های فرهنگی
کاهش مشارکت سیاسی - بدبینی سیاسی - کاهش اعتماد به مسئولین و نهادها - احساس بی‌کسی در عرصه‌ی سیاست - پاسخ‌گو نبودن مسئولین.	فرسایش اعتماد نهادی
افزایش جرم - افزایش اعتیاد - افزایش نزاع‌های دسته‌جمعی	نامنی اجتماعی
بی‌توجهی به وضع مردم - تحت فشار قرار دادن مردم - غیرعادی شدن شرایط زندگی نسبت به قبل - در جا زدن در زندگی	نارضایتی از شرایط پیش‌آمده
تغییر شیوه‌ی معیشتی - مصرف‌گرایی - خرید کالاهای تجملاتی - خرید کالاهای رفاهی - افزایش اوقات فراغت	تغییر سبک زندگی

در ادامه به‌طور جداگانه مقولات دوازده‌گانه مندرج در جدول شماره‌ی ۳ همراه با نقل‌قول‌های مشارکت‌کنندگان، مطرح و مورد کندوکاو قرار می‌گیرد. لازم به ذکر است که تمام مصاحبه‌شوندگان در این تحقیق از آوردن اسم واقعی‌شان اعلام رضایت نموده‌اند، باین‌وجود از اسامی مستعار استفاده شده است. پس از طرح مقولات دوازده‌گانه درنهایت بحث و نتیجه‌گیری ارائه می‌گردد.

۶-۱- مشکلات زیست‌محیطی

انجام پروژه‌های توسعه‌ای - اقتصادی مانند احداث سد‌های مخزنی می‌تواند یکی از عوامل ایجادکننده‌ی چالش‌های زیست در مناطق مختلف باشد (سلیمی ترکمانی، ۱۳۹۰: ۲۰۲-۱۷۷). نقش و اهمیت محیط طبیعی و زیستی در زندگی گروه‌های روستایی بر هیچ‌کس پوشیده نیست، درصد قابل‌توجهی از مصاحبه‌شونده‌ها متن مصاحبه‌های خود را به بحث قطع درختان - نایاب شدن گونه‌های حیات‌وحش - آلوده شدن آب‌های سطحی - گل شدن زمین‌های مرغوب - بلااستفاده ماندن زمین‌های مرغوب داشته‌اند.

مهدی می‌گوید: جمع شدن آب سد منجر به آلودگی و گندیده شدن آب رودخانه شده است که قبلاً در جریان بود. قبلاً چون آب جریان داشت ما به‌راحتی هم برای دام‌ها و هم برای مصارف خانگی و حتی کشاورزی از آن استفاده می‌کردیم و حتی نظافت و مصرف چندین روستا که آب شرب نداشتند، از رودخانه تهیه می‌شد، ولی الآن جز مصرف کشاورزی هیچ‌گونه مصرف دیگری ندارد؛ چون واقعاً آب جمع شده بوی بد و گندیده‌ای می‌دهد. عباس نیز به انواع گونه‌های جانوری و پوشش گیاهی زیاد قبل از اجرا و آب‌گیری سد اشاره می‌کند. وی می‌گوید الآن هیچ جانوری یافت نمی‌شود و حتی هیچ درخت سبزی دیده نمی‌شود تا چشم کار می‌کند، فقط آب است و ما مانده‌ایم که همه‌ی این‌ها کجا رفته‌اند.

۶-۲- رکود اقتصادی و معیشتی

روستاها از گذشته تا به حال به عنوان اجتماعات پایه، نقش اساسی در شکل‌گیری و شکوفایی جوامع و تمدن‌ها داشته‌اند (جمعه‌پور، ۱۳۸۵: ۱). همیشه در همه‌ی ادوار و در همه‌ی مکان‌ها چه در شهر و چه در روستا آب، عامل اصلی توسعه و پیشرفت و نیز تولید و آبادانی در همه‌ی بخش‌ها بوده است، اما باید به این نکته توجه داشت که کشور ما در سطح کلان به لحاظ معیشتی و درآمدی و تولید به خصوص در حوزه‌ی کشاورزی و تولید منابع غذایی و حتی ایجاد اشتغال و تأمین مایحتاج اکثر گروه‌های جامعه به بخش روستایی متکی بوده است. حال ذکر این نکته ضروری است که نیاز مناطق روستایی به آب چندین برابر مناطق شهری است. در این تحقیق نیز اکثر شرکت‌کنندگان به این امر اشاره داشته‌اند و همه‌ی این مشکلات را به خاطر عدم دسترسی به آب ذکر کرده‌اند.

مقوله‌ی رکود اقتصادی از مجموعه‌ی مفاهیم افزایش بیکاری، کاهش شغل‌های فصلی، دلسردی از کار، مشکلات دآمداری، مشکلات کشاورزی، بدهکاری مردم، ورشکستگی، کاهش تولیدات و تحمل ضررهای مالی استخراج شده است. یزدان در این خصوص به این نکات اشاره می‌کند که زمین‌های حاصل‌خیز ما زیر آب است و زمین‌های دور دست به خاطر مشکلات به وجود آمده ناشی از گل کنار رودخانه هنوز قابل‌استفاده نیست و مردم نیز باینکه در طول فواصل مختلف قبل از اجرای پروژه همیشه در جوش و خروش و کاشت و برداشت بوده‌اند و درآمد داشته‌اند، نه تنها برای خود بلکه برای مناطق اطراف نیز شغل ایجاد کرده‌اند؛ اما امروزه بهره‌برداری از سد، مشکلات زیادی مثل بیکاری و سردرگمی شغلی مردم، کاهش زمین‌های تولید، فقر، بدهکاری و عدم پس‌انداز ... را دربر داشته است و روزبه‌روز وضعیت مردم را بدتر هم می‌کند.

فرشید با توجه به ماهیت پروژه و ارتباط آن با توسعه می‌گوید: در این منطقه نه تنها برای مردم منطقه هیچ‌گونه پیشرفت و توسعه‌ای را در پی نداشته است، بلکه عامل اصلی همه‌ی دردها در این منطقه نیز شده است. وی به بحث خسارت‌های وارده به مردم به این نکات اشاره می‌کند که از آنجایی که اولین بار در فصل پر آب زمستان جلوی آب را گرفتند و با توجه به حجم زیاد آب طی دو روز، منطقه کاملاً از آب پر شد. همین باعث شد نه تنها به خانه‌های یکی از روستاهای در حدود هشتاد درصد خسارت بزند، بلکه خیلی از وسیله‌های کشاورزی و ادوات کشاورزی مردم که از قبل در حاشیه‌ی رودخانه بوده‌اند، ناپدید شوند و مردم مجبور به خریدن دوباره‌ی آن به هزینه‌ی خود شدند و این خسارات به هیچ‌وجه از طرف سد جبران نشد.

۶-۳- کمبود خدمات عمومی

همیشه یکی از عوامل اصلی بر هم خوردن تعادل روستاها در همه‌ی جوامع چه از لحاظ اقتصادی و چه اجتماعی و یا فرهنگی، عدم توجه به نیازهای آنان بوده است. نهادهای مربوطه از این لحاظ در حوزه‌ی روستایی در خیلی از موارد به خاطر برنامه‌ریزی‌های غلط و عدم تخصیص بودجه‌بندی‌های موردنیاز، نه تنها زمینه‌های توسعه‌ی آن‌ها را فراهم نیاورده‌اند، بلکه این مناطق را به مهاجرت تشویق نموده‌اند. منطقه‌ی رودبار نیز که تحت تأثیر ابعاد سد و نیروگاه سیمره قرار گرفته است از این حیث نیازمند توجه است، اما بنا به گفته‌ی مصاحبه‌شوندگان از زمان اجرایی شدن پروژه‌ی سد تا به حال حتی کوچک‌ترین توجهی به آن‌ها در زمینه‌ی مشکلات ارتباطی، مشکل آب آشامیدنی، مشکل بهداشت، مشکل تلفن و اینترنت، نداشتن مدرسه‌ی مناسب نشده است.

در این خصوص، مهدی، فرهاد، عباس و یزدان با نظری کاملاً مشابه و مقایسه‌ای نسبت به قبل از اجرای پروژه می‌گویند: ما باینکه قبل از اجرای پروژه نیز با گذشت بیش از سی سال از انقلاب هنوز از ابتدایی‌ترین امکانات رفاهی، بهداشتی و اجتماعی محروم بودیم، اما از زمان اجرای پروژه‌ی سد و نیروگاه سیمره اوضاع خیلی بدتر شده است؛ راه‌های ارتباطی ما قطع می‌شوند و بارها بوده با شهر تا دو هفته ارتباط نداشتیم. مدارس ما چون که هر روستا یک مدرسه ندارد، باید بچه‌هایمان را به روستاهای دیگر بفرستیم و این برای ما سخت و طاقت‌فرساست. وضعیت بهداشت

روستاها در حد خیلی پایینی است. با اینکه شبکه‌ی بهداشت داریم، ولی حتی یک قرص سردرد هم در آن پیدا نمی‌شود. زنان باردار ما با مشکلات زیادی روبه‌رو هستند و رفت‌وآمد به بیمارستان‌ها هم به خاطر هزینه و هم خاکی بودن جاده بسیار مشکل است. حتی یک‌بار به خاطر همین خاکی بودن جاده و دیر رسیدن به بیمارستان جان یک نفر از روستاییان از دست رفت. چون که جاده خاکی است و نظارت انتظامی کمی روی منطقه است، خریدوفروش مواد مخدر و جابه‌جایی آن برای همه آسان شده است. منطقه فاقد تلفن ثابت است و تلفن‌های همراه نیز اصلاً آنتن خوبی ندارند و ارتباطات را با مشکل روبه‌رو کرده و حتی اینترنت هم در این منطقه به‌سختی در دسترس است.

۶-۴- نبود برنامه‌ریزی مناسب

شاید یکی از راه‌هایی که بتوان به‌راحتی چه در سطوح خرد و چه کلان برنامه‌ها را پیش برد، داشتن برنامه‌ریزی مناسب و زمان‌بندی‌های دقیق باشد؛ اما از نظر مصاحبه‌شوندگان برای این پروژه برنامه‌ریزی‌های مناسبی صورت نگرفته است و به همین خاطر هم زندگی این مردم را تحت تأثیر قرار داده است. مفاهیمی که بر اساس آن‌ها مقوله‌ی مذکور استخراج شد عبارت است از: نبود برنامه‌ی صحیح، نداشتن متخصص، جانمایی بد سد، تملک بی‌برنامه، بهره‌برداری بی‌موقع، نظارت بر مجریان سد، مشورت نکردن با مردم، عدم آگاهی از نیازهای مردم، اطلاع‌رسانی نکردن در خصوص ارائه‌ی برنامه‌ها به مردم.

فردین به این موضوع اشاره دارد: ما بارها در مورد اینکه قرار است در آینده چه برنامه‌ای برایمان پیش‌بینی شود، با خود مسئولان سد صحبت کرده‌ایم و آن‌ها خود از این موضوع ابراز بی‌خبری کرده‌اند و هنوز اوضاع ما درست مشخص نیست که باید چه کار کنیم و همین امر باعث دل‌سردی و نگرانی مردم شده است.

اشکان می‌گوید: باید از چندین سال قبل از اجرای این جور پروژه‌ها برای مردم و منطقه و آینده آن‌ها برنامه‌ریزی می‌شد، ولی آنچه امروز دیده می‌شود، بیانگر این مطلب است که نه‌تنها برنامه‌ریزی نشده، بلکه در حال حاضر نیز قادر به پاسخ‌گویی نیستند. بارها گفته‌اند شما باید همگی به‌طور صددرصد منطقه را تخلیه کنید، ولی الآن زمزمه‌هایی مبنی بر اینکه باید در منطقه بمانید چون که دولت پول ندارد و نمی‌تواند تملک کند، به گوش می‌رسد و این یعنی بی‌برنامگی برای مردم و در این بین، فقط مردم و روستاییان هستند که متضرر می‌شوند.

۶-۵- آینده‌ی مبهم

نه‌تنها امروزه بلکه در گذشته نیز راهبرد مجریان طرح‌های توسعه‌ای باید مبتنی بر آینده‌نگری برای افزایش و یا کاهش ابعاد مثبت و منفی مربوط به آن طرح است. لازم است پیش از انجام طرح، نقاط قوت و ضعف و نیز راهکارها برای کاهش ابعاد منفی مشخص شود. همان‌طور که گفته شد، سدهای عظیم دارای ابعاد مثبت و منفی ملی و منطقه‌ای هستند که سد و نیروگاه سیمره نیز از این قاعده مستثنی نیست. یکی از مقولات به‌دست‌آمده، آینده‌ی مبهم است. یکی از نگرانی‌های عمده‌ی مصاحبه‌شوندگان، ابهام در مورد وضعیت آن‌ها در آینده‌ی نه‌چندان دور است. احساس بلاتکلیفی، ترس از آینده و نبود پس‌انداز برای آینده مفاهیمی است که این مقوله را ساخته‌اند.

فرشاد در این خصوص می‌گوید: ما نمی‌دانیم قرار است چه بر سرمان بیاید. ما نمی‌دانیم آینده‌ی خودمان و فرزندانمان چگونه رقم می‌خورد؛ چراکه از اول به فکر مردم نبوده‌اند و هیچ طرحی برای ما نریخته‌اند و بعد از اجرای سد هم فکری اساسی برای ما نکرده‌اند و نمی‌کنند.

سجاد نیز چنین اشاره می‌کند: ما از اول تا زمانی که آمدن در خانه‌مان را زدند و گفتند بیاید زمین‌هایتان را به سد بفروشید، از هیچی خبر نداشتیم. خیلی از مردم ابتدا قبول کردند که زمین‌هایشان را بفروشند، ولی وقتی متوجه شدند برای آینده‌ی آن‌ها هیچ راهکاری از طرف مسئولان ارائه نمی‌شود، آنان نیز بر نفروختن زمین پافشاری کردند و گفتند ترجیح می‌دهیم همین‌جا بمانیم تا اینکه به شهر برویم و ندانیم باید چکار کنیم.

۶-۶- معضلات مهاجرت

در روستاها دو نیروی اساسی و مؤثر بر مهاجرت وجود دارد: یکی از آن عوامل، دافعه است و دیگری عامل جاذبه. عوامل دافعه در مبدأ و عوامل جاذبه در مقصد هستند. اصلی‌ترین عامل دافعه که حجم عظیم مهاجرت را از روستاها به-خصوص به سمت شهرها سرازیر می‌کند، نبود امکانات و یا برهم خوردن روند تعادل زندگی در روستاهاست. در منطقه-ی رودبار سدسازی همه‌ی شرایط فوق را به وجود آورده است و عده‌ی زیادی منطقه را ترک کرده‌اند. مهاجرت‌های از نوع روستا-شهری و آن‌هم به صورت گروهی، حاشیه‌نشینی را در پی دارد که خود منشأ معضلات دیگری خواهد بود. مجموعه مفاهیمی که مقوله‌ی معضلات مهاجرت را ساخته‌اند، شامل مهاجرت جوانان (نیروهای مولد)، ماندن کهن‌سالان (گروه‌های مصرف‌کننده)، آواره شدن، ایجاد شغل‌های کاذب، افزایش حاشیه‌نشینی است.

(سعید، ط و سعید، الف) که الآن ساکن شهر هستند، در این خصوص می‌گویند: سعید الف؛ من و خانواده شش نفریم که ابتدا در منطقه زندگی می‌کردیم و زندگی آرامی داشتیم. حدود ۱۰۰ میلیون پول گرفتیم که با آن یک خانه‌ی ۷۰ متری خریدیم، ولی وقتی مهاجرت کردم، بعد از چند ماه دیدم دستم خالی است و دیگر پولی برای خرج کردن نداشتم و مجبور شدم برای کسب درآمد، دوره‌گردی کنم و این برایم ننگ‌آور است. منی که در روستا زندگی راحتی داشتم، الآن باید شب تا صبح فک کنم که باید فردا چکار کنم. نه تنها خودم که فرزندانم نیز از این مسئله سرخورده هستیم و عصبی. سعید ط نیز گفته‌های کاملاً مشابه داشته است.

جبار نیز می‌گوید: من الآن در تهران هستم. همراه با سه برادر دیگر اینجا دست‌فروشی می‌کنیم و درآمدمان بد نیست، ولی پدر و مادر پیرم در روستا هستند و زمین‌هایمان رفته زیر آب و هیچ کاری ندارند و فقط ما خرجی آن‌ها را می‌دهیم، ولی از شهر و شهرنشینی می‌ترسند برای همین به شهر نمی‌آیند.

۶-۷- کاهش انسجام اجتماعی

بررسی موضوع انسجام اجتماعی در جامعه و دلایل کاهش یا افزایش آن از حیث نظری و تجربی، روندی تاریخی دارد. در هر جامعه‌ای باید حداقلی از وحدت در زمینه ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی وجود داشته باشد تا هم‌نواپی و مشارکت بین افراد جامعه به وجود آید. انسجام اجتماعی موقعیتی است که در آن افراد جامعه از طریق تعهدات اجتماعی و فرهنگی مشترک، به یکدیگر پیوند می‌خورند. استحکام و ثبات جامعه در پی انسجام است و به همین علت از مؤلفه‌های توسعه‌ی اجتماعی محسوب می‌شود (از کیا و غفاری، ۱۳۸۰: ۲۰۶-۱۷۴).

بدبینی نسبت به هم کاهش مشارکت‌های گروهی، تنها ماندن و احساس تنهایی (سالمندان)، بر هم خوردن نظام‌های سنتی و احساس تبعیض مفاهیمی است که از درون مصاحبه‌ها به دست آمد و در مجموع، مقوله‌ی کاهش انسجام اجتماعی را می‌سازند.

رضا می‌گوید: من سه تا پسر دارم که قبل از اجرای پروژه به آرامی، راحت و بدون دغدغه و در کنار هم بر روی زمین کار می‌کردیم و منبع درآمدی داشتیم، ولی از زمان اجرای پروژه و عدم توانایی استفاده از زمین، بچه‌هایم برای کسب درآمد به شهر مهاجرت نموده‌اند و الآن من مانده‌ام و یک پیرزن عاجز و یک منزل بزرگ و خالی. من احساس تنهایی می‌کنم و حس می‌کنم کسی به فکر من نیست.

میلاد می‌گوید: همه‌ی مردم قبل از اجرای سد در همه‌ی کارها چه کشاورزی چه مراسمات خاص در کنار هم و به هم کمک می‌کردند، ولی الآن این‌گونه نیست، انگار همه رقیب هم هستند. در مراسم هم کمتر شرکت می‌کنند و دیگر کسی به فکر کسی نیست. همه دنبال نفع خودشان هستند.

۶-۸- از بین رفتن پشتوانه‌ی فرهنگی

تقابل بین سنت و مدرن شدن در بسیاری از موارد به نفع و پیروزی مدرنیته و در بسیاری از موارد به نفع سنت رخ می‌دهد، اما در بعضی مواقع نیز می‌توان این دو را طوری با هم ادغام نمود که به مانند دو روی یک سکه باشند و یکدیگر را کامل کنند. از آنجایی که در کشورهای جهان سوم این دو معمولاً در تقابل با هم شناخته می‌شوند، بیش‌تر به نفع و حفظ مدرنیته و به نابودی سنت می‌انجامد که می‌تواند بحران‌ها و مسائل اجتماعی و فرهنگی را به وجود آورد. مدرنی شدن، نیازمند ایجاد یک‌سری زیرساخت‌ها و به تبع آن تغییر در یک‌سری از ساختارهاست. سدسازی یکی از ابعاد مدرنیته و توسعه است و مصاحبه‌شوندگان معتقدند احداث سد در منطقه‌ی مورد مطالعه باعث نابودی بناهای تاریخی و مذهبی، از بین رفتن هویت و کم‌رنگ شدن رسم و رسومات شده است.

مهدی و حیاط بگ در خصوص تغییر در رسم و رسومات می‌گویند: قبل از اجرای سد به خاطر وجود جمعیت زیاد در این منطقه همه‌ی مراسم‌های ما در همین محیط‌های باز روستایی اجرا می‌شد که جمعیت زیادی نیز در آن شرکت می‌کرد، ولی امروزه همه مهاجرت کرده‌اند و شرایط به وجود آمده از لحاظ ارتباطی طوری است که شاید دویست نفر در مراسم‌ها چه شادی و چه عزا شرکت می‌کنند. به خاطر این سد، مردم همه با هم دشمن هستند و حدود دو سال است که اصلاً این مراسم در روستای ما شکل نمی‌گیرد.

سجاد می‌گوید: همه‌ی بناهای تاریخی و مذهبی ما در آینده زیر آب می‌روند و قبرستان‌ها نیز از این قاعده مستثنی نیستند و این امر بر روح و روان ما و هویت ما تأثیر می‌گذارد. من نهایتاً شاید تا ده سال دیگه بتوانم گذشته‌ی خودم را به یاد بیاورم و نهایتاً باید به اجبار هویتم را فراموش کنم و فرزندان ما نیز دچار این بحران می‌شوند.

۶-۹- فرسایش اعتماد نهادی

اعتماد اجتماعی از الزامات زندگی در دوران مدرن است و یکی از مهم‌ترین ابعاد آن، اعتماد نهادی است. اعتماد نهادی از نظریه‌ی گیدنز (۱۳۸۰) در مورد اعتماد اجتماعی اخذ شده و منظور از آن، اعتماد مردم به سازمان‌ها و نهادهایی است که وظیفه‌ی تدوین، اجرا و نظارت بر قانون، اطلاع‌رسانی و تأمین نیازهای اولیه‌ی مردم را بر عهده دارند. اهمیت اعتماد نهادی از این‌روست که در دنیای مدرن هیچ‌کس بی‌نیاز از تعامل با نظام‌ها و نهادهای تخصصی نیست. در این شرایط اگر اعتماد نهادی ضعیف شود به معنای تضعیف رابطه‌ی بین دولت و مردم است. امری که در نظام‌های دموکراتیک تبعات زیادی را در پی خواهد داشت. یکی از ویژگی‌های اصلی دولت‌ها داشتن مشروعیت عمومی است؛ بدین معنا که دولت و مردم باید حامی و پشتیبان همدیگر باشند. در منطقه‌ی رودبار به دلیل تجربه‌ی سد و نیروگاه سیمره، مردم از خیلی از جهات دچار ضرر و زیان‌های ناخواسته شده‌اند. روستاییان تنها راه جبران این ضررها را از طریق مراجع قانونی می‌دانند و بارها نیز به همین خاطر به مراجع ذی‌ربط مراجعه نموده‌اند، ولی آن‌گونه که مصاحبه‌شوندگان می‌گویند راه به‌جایی نبرده است. مقوله‌ی کاهش اعتماد نهادی شامل کدهای کاهش مشارکت سیاسی، بدبینی سیاسی، کاهش اعتماد به مسئولین و نهادها، احساس بی‌کسی در عرصه‌ی سیاست، پاسخ‌گو نبودن مسئولین است.

عباسعلی در خصوص پی‌گیری‌ها برای بهبود وضعیت چنین می‌گوید: ما علیه نمایندگان سد که واقعاً با نحوه‌ی تملک اشتباه و عدم اطلاع‌رسانی درست بارها ما را در مخاطره قرار داده‌اند، به نهادهای فوق مراجعه نمودیم، ولی متأسفانه حتی یک‌بار هم در این زمینه موفق نبودیم و حتی عوامل اجرایی سد هنوز که هنوز است دارند در حق ما ظلم می‌کنند.

رضا در این باره می‌گوید: ما بارها با مسئولان سد و نماینده‌ی مردم در مجلس ملاقات داشتیم و همیشه قول مساعد به ما داده‌اند، ولی هنوز که هنوز است بعد از پنج سال حتی کوچک‌ترین مطالبه‌ای از ما به ما نرسیده. ما حتی بارها در مقابل مجلس و وزارت نیرو تجمع کردیم، اما هیچ‌کس برایمان کاری نکرده‌اند.

۶-۱۰- ناامنی اجتماعی

یکی از مفاهیم بااهمیت، پیچیده و جدید در دنیای امروز و در بسیاری از مباحث سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، موضوع و مفهوم امنیت است (اخوان کاظمی، ۱۳۸۶: ۱۲). امنیت از نیازها و ضرورت‌های پایه‌ای فرد و جامعه تلقی می‌شود و نقطه‌ی مقابل آن ناامنی اجتماعی است که فقدان امنیت و یا اختلال در آن، پیامدها و بازتاب‌های نگران‌کننده و خطرناکی را می‌تواند به دنبال داشته باشد (توسلی و موسوی، ۱۳۸۴: ۲۶). روستا یکی از محیط‌های سالم و امن اجتماعی برای اهالی محسوب می‌شده است. این امر تا حد زیادی به دلیل وجود نظام سنتی قدرتمند در روستاست که در صورت بروز جرم و یا معضلی به شدت با آن برخورد می‌شود. در جوامع سنتی، سازمان خویشاوندی قوی‌ای وجود دارد و تعامل افراد اغلب با آشنایان است. علاوه بر آن، نفوذ دین و سنت همانند یک کنترل‌کننده‌ی درونی است و مانعی برای شکستن هنجارها می‌گردد. باین‌وجود بنا به گفته‌ی اهالی از زمان اجرای پروژه‌ی سد، به خاطر بیکاری، شرایط سخت زندگی به وجود آمده است که هم شغل‌های کاذب و هم برخی جرایم (افزایش اعتیاد، افزایش نزاع‌های دسته‌جمعی و ...) در این منطقه رخ می‌دهد و افزایش شدت و کمیت وقوع آن‌ها برای اهالی نسبت به گذشته مشهود است.

جبار به افزایش جرم اشاره می‌کند و می‌گوید: من روستایی وقتی در روستا هستم، همه اطرافیانم را می‌شناسم و به آن‌ها اعتماد دارم و می‌توانم با آن‌ها به راحتی کنار بیایم، ولی اگر در شهر باشم، صد درصد در مقابل کسی که او را نمی‌شناسم، اگر کوچک‌ترین بی‌احترامی به من بکند و یا حق من را بخورد، سخت موضع می‌گیرم و با او برخورد می‌کنم. من در روستا حتی با برادر خودم بر سر تقسیم زمین دعوا می‌شده و این برای عموهای من نیز رخ داده است. افشین می‌گوید: یکی دیگر از مسائل و معضلاتی که الآن خانواده‌ها با آن روبه‌رو هستند، بحث افزایش اعتیاد و افزایش دسترسی به مواد مخدر است که به راحتی در دسترس است. وی اشاره می‌کند که در این منطقه چون قبلاً همه‌ی جوانان مشغول به کار بودند و از صبح تا غروب کار می‌کردند و شب همه خسته بودند و می‌خوابیدند، کمتر برایشان اعتیاد پیش می‌آمد، ولی در حال حاضر همگی بیکار هستند و هیچ سرگرمی ندارند یا مهاجرت می‌کنند و در شهر معتاد می‌شوند به‌دوراز چشم خانواده و یا در اینجا به خاطر سرگرمی به آن روی می‌آورند و این معضل دامن همه‌ی خانواده‌ها را گرفته است.

۶-۱۱- نارضایتی از شرایط پیش‌آمده

مقوله‌ی نارضایتی، به مقایسه‌ی وضع موجود و شرایط پیش‌آمده در این منطقه با شرایط پیشین و نیز با دیگر روستاها اشاره دارد. مصاحبه‌شونده‌ها به هیچ‌وجه از شرایط حال حاضر راضی نیستند و گذشته را نسبت به هم‌اکنون بهتر می‌دانند. این در حالی است که ایجاد و اجرای طرح‌های عمرانی بزرگ در بیش از نود درصد موارد به بهبود اوضاع نسبت به قبل دامن می‌زند نه بدتر کردن شرایط برای مردم. از دید مردم، نهادهای سیاسی و دولتی با اینکه می‌توانند با ارائه‌ی خدمات، وضعیت را بهتر کنند، ولی اقدامی صورت نمی‌کنند. مفاهیم مربوط به این مقوله عبارت‌اند از: بی‌توجهی به وضع مردم، تحت فشار قرار دادن مردم، غیرعادی شدن شرایط زندگی نسبت به قبل، احساس در جا زدن. شکراله می‌گوید: قبلاً ما امکانات رفاهی در حد ابتدایی داشتیم، اما بعد از اجرای پروژه به‌طور کل این حداقل امکانات از بین رفته است. مثلاً قبلاً ما به راحتی می‌توانستیم به مواد غذایی و دارویی و یا سوختی دسترسی پیدا کنیم و این با حداقل هزینه بود، اما الآن به‌عمد خود مسئولان مانع ورود این امکانات به منطقه می‌شوند تا مردم را مجبور به ترک منطقه کنند و این نبود امکانات بیش‌تر بر سالمندان تأثیر دارد.

چنگیزی می‌گوید: قبلاً نود درصد نیازهای خود را از راه بهره‌برداری محلی تهیه می‌کردیم، ولی الآن شاید فقط ده درصد را به این نحو تهیه نماییم و مابقی را از شهر تهیه می‌کنیم. این در صورتی است که کسی وسیله‌ی شخصی برای عبور و مرور به شهر داشته باشد، به خاطر جاده‌ی به‌شدت خراب، وسیله‌ی عمومی وجود ندارد و اگر هم کالایی را

بخریم، باید هفتگی این کار را بکنیم و به شهر برویم؛ چون زود خراب می‌شود و ما مجبوریم این جاده خاکی را طی کنیم.

۶-۱۲- تغییر سبک زندگی

یکی از راهکارهایی که می‌تواند از اثرات منفی طرح‌های اجرایی کلان و ملی در مناطق روستایی بکاهد، پرداخت تمام و کمال مطالبات مردم به‌خصوص در بحث تملک اراضی و خسارت‌های وارده شده توسط این پروژه‌هاست. این پرداخت‌ها می‌تواند به نحوی باعث تغییراتی در شکل زندگی روستاییان گردد. مصاحبه‌شوندگان هر یک به نحوی به پرداخت‌های مالی به مردم اشاره کرده‌اند. عباس، حیاط بگ، عباسعلی و مهدی در این خصوص به نابرابری پرداخت‌ها اشاره نموده‌اند. چنگیز می‌گوید: قبلاً نود درصد نیازهای خود را از راه بهره‌برداری محلی تهیه می‌کردیم و این شامل نان و حبوبات و گوشت و ... می‌شد، ولی الآن شاید فقط ده درصد را به این نحو تهیه می‌نماییم.

پرداخت هزینه‌ی تملک زمین‌های روستایی به همراه جابه‌جایی‌های صورت گرفته، منجر به تغییرات فزونی در سبک زندگی روستاییان شده است. بخشی از این مبالغ دریافتی، صرف خرید کالاهای رفاهی از جمله اتومبیل، کولرگازی و ... شده است که منجر به بهبود کیفیت زندگی می‌گردد؛ اما علاوه بر آن خرید کالاهای تجملاتی از جمله مبل و صندلی، تلویزیون، گوشی همراه و ... نیز افزایش یافته است. محدودیت‌های مربوط به کشاورزی و دامداری منجر به تغییر شیوه‌ی معیشت روستاییان شده است تا حدی که مواد غذایی مصرفی خانواده‌های روستایی، همچون لبنیات و گوشت نیز از فروشگاه‌های شهرهای نزدیک تهیه می‌شود و تولیدات کشاورزی بسیار محدود است. از مجموع تغییرات یادشده، اوقات فراغت روستاییان افزایش یافته و به دلیل افزایش اتومبیل‌های شخصی، رفت‌وآمد به شهر و حتی مسافرت‌های تفریحی نیز افزایش یافته است. تقسیم هزینه‌ی تملک زمین بین فرزندان منجر به استقلال بیشتر جوانان روستا و هسته‌ای شدن خانواده‌ها گردیده است.

در مجموع کدهای خرید کالاهای رفاهی، خرید کالاهای تجملاتی، افزایش اوقات فراغت، مصرف‌گرایی به‌جای تولید، کدهای مربوط به این مقوله است.

۷- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

امروزه یکی از ابعاد و شاخص‌های توسعه اقتصادی- اجتماعی می‌تواند سد و سدسازی باشد که با توجه به نحوه‌ی مدیریت، تأثیرات مثبت یا منفی زیادی را در حوزه‌های مختلف اقتصادی- اجتماعی برای گروه‌های تحت تأثیر می‌تواند به بار آورد. البته اهداف کلان و توسعه‌ای آن بر هیچ‌کس پوشیده نیست. سد و نیروگاه سیمره نیز از این قاعده مستثنی نیست؛ چراکه طی سالیان اخیر زندگی ساکنین ۱۵ روستا شامل ۹۳۸ خانوار و جمعیت بالغ بر ۴۶۰۱ نفر را در سطح منطقه تحت تأثیر خود قرار داده است. دامنه‌ی تأثیرات این سد بر روی مردم منطقه تا به حال مورد بررسی علمی دقیقی قرار نگرفته است. هدف از این مطالعه، بررسی دیدگاه مردم منطقه در مورد پیامدهای این پروژه بود و بدین منظور روش کیفی به کار رفت و از طریق مشاهده‌ی مستقیم و مصاحبه‌ی عمیق اطلاعات جمع‌آوری شد.

مرور تحقیقات پیشین که عمدتاً به روش کیفی انجام شده است، نشان می‌دهد که عمده‌ی یافته‌ها حول ابعاد زیست‌محیطی و اقتصادی و مهاجرت از جمله تغییر ساختار اقتصادی، تخریب زمین‌ها و خانه‌ها است و اشاره‌ی کمی به ابعاد دیگر شده است. این مطالعه با هدف رسیدن به معنای ذهنی روستاییان از پیامدهای سدسازی انجام شد و تأکید آن بر رسیدن به ابعاد پنهان بود. یافته‌ها نشان داد که پروژه‌ی سد سیمره علاوه بر پیامدهای زیست‌محیطی و اقتصادی ابعاد مهم دیگری نیز داشته است که می‌تواند در قالب پیامدهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی تقسیم شود و عبارت‌اند از: آینده‌ی مبهم، کاهش انسجام اجتماعی، فرسایش اعتماد نهادی، ناامنی اجتماعی و از بین رفتن پشتوانه‌های فرهنگی.

یکی از وجوه تمایز این پژوهش استخراج مقوله‌ی فرسایش اعتماد نهادی و سازمانی است. اعتماد نهادی از الزامات زندگی اجتماعی در دوران مدرن است و رابط بین نهادهای سیاسی و مردم است. کاهش اعتماد نهادی به معنای گسست در روابط بین مردم و نهادهای سیاسی است و بر تصمیم‌گیری‌های سیاسی و مشارکت‌های سیاسی مردم نیز تأثیر گذاشته و مردم را نسبت به مشارکت در این‌گونه مسائل بی‌رغبت نموده است؛ به‌نحوی که سیاست و سیاستمداران را جدا از مردم و منافع اجتماعی و سیاسی دولت را در تضاد با منافع اجتماعی مردم می‌دانند.

مقوله‌ی تغییر سبک زندگی یکی دیگر از مقولات استخراج شده است که در مطالعات پیشین بدان اشاره‌ای نشده است. خرید کالاهای رفاهی، خرید کالاهای تجملاتی، افزایش اوقات فراغت، مصرف‌گرایی به‌جای تولید کدهای مربوط به این مقوله است. به نظر می‌رسد روستاییان با سبک جدیدی از زندگی روبه‌رو هستند که ترکیبی از مؤلفه‌های زندگی روستایی و شهری است. اگرچه خدمات عمومی که دریافت می‌کنند، محدود است، اما در حیطه‌ی زندگی خصوصی آن‌ها، تغییرات زیادی رخ داده است.

یکی دیگر از ابعاد پنهان، افزایش ناامنی است. امنیت اجتماعی از نیازها و ضرورت‌های پایه‌ای فرد و جامعه تلقی می‌شود و نقطه‌ی مقابل آن ناامنی اجتماعی است که فقدان امنیت و یا اختلال در آن، پیامدها و بازتاب‌های نگران‌کننده و خطرناکی را می‌تواند به دنبال داشته باشد. از دید پاسخ‌گویان، پدیده‌ی سد و سدسازی در این منطقه باعث ایجاد جرایم، افزایش اعتیاد و نزاع‌های دسته‌جمعی در بین مردم شده است و مردم نسبت به قیل از اجرای پروژه از احساس امنیت کم‌تری در منطقه برخوردار هستند.

کاهش انسجام اجتماعی یکی دیگر از پیامدهای سدسازی در منطقه‌ی مورد مطالعه است. این یافته همسو با نتایج مطالعه‌ی میرزایی و همکاران (۱۳۹۰) است. در هر جامعه‌ای لازم است حداقلی از وحدت در زمینه ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی وجود داشته باشد تا هم‌نواپی و مشارکت بین افراد جامعه به وجود آید. بدبینی نسبت به هم کاهش مشارکت‌های گروهی، تنها ماندن و احساس تنهایی (سالمندان)، بر هم خوردن نظام‌های سنتی و احساس تبعیض مفاهیمی است که مقوله‌ی کاهش انسجام اجتماعی را می‌سازند. یافته‌ها نشان داد که نحوه‌ی پرداخت خسارت‌ها به روستاییان منجر به ایجاد رقابت در بین روستاییان شده و این پدیده یکی از مهم‌ترین علل کاهش انسجام بین آن‌هاست.

روستاییان در مواجهه با احداث سد دو انتخاب دارند. گزینه‌ی اول مهاجرت به شهر و گزینه‌ی دوم ماندن در روستا است. با توجه به مصاحبه‌های انجام شده، از نگاه روستاییان، مهاجرت پیامدهایی از قبیل از دست دادن هویت، از بین رفتن همبستگی و روابط خویشاوندی و خانوادگی، حاشیه‌نشینی و بزهکاری و درنهایت فقر و بیکاری دارد. ماندن در روستا نیز با مشکلات زیادی همراه است و بیش‌ترین ناراضی‌ها از زیرساخت‌ها بخصوص راه‌های ارتباطی و کیفیت آن‌ها، نبود آب آشامیدنی و همچنین عدم پاسخ‌گویی و ارائه‌ی خدمات عمومی از طرف مسئولان است. با توجه به گفته‌های مشارکت‌کنندگان و نیز مشاهدات میدانی محقق، این منطقه از لحاظ آنتن‌دهی تلفن، اینترنت و آب آشامیدنی با مشکل اساسی روبه‌رو است. مشکل قطع شدن برق منطقه به دلیل قطع شدن کابل‌های برقی است که از روی رودخانه می‌گذرد و در فصول پرآب مشکلاتی ایجاد می‌کند. آسفالت جاده‌ی ارتباطی روستا به شهر، بازسازی مدارس فرسوده، آنتن‌دهی تلفن و اینترنت از جمله امکاناتی است که به دلیل برنامه‌ریزی برای جابه‌جایی روستاییان، علی‌رغم ماندگاری روستاییان، از دستور کار خارج شده است.

می‌توان گفت علی‌رغم افزایش برخی امکانات رفاهی که در قالب مقوله‌ی تغییر سبک زندگی به آن‌ها اشاره شد، مصاحبه‌شوندگان از وضعیت موجود و شرایط به وجود آمده پس از پروژه‌ی سد سیمره، ناراضی هستند. احساس سردرگمی، ناامیدی، بی‌اعتمادی و نگرانی از وضع موجود مفاهیمی است که گویای وضعیت روستاییان است.

۸- منابع

۱. احمدی اوندی، ذوالفقار، بهمئی، سجاد، لجم اورک مرادی، علی (۱۳۹۳). ارزیابی پیامدهای اجتماعی و فرهنگی پروژه‌ی سد کارون ۳ شهرستان ایذه، فصلنامه‌ی توسعه‌ی اجتماعی (توسعه‌ی انسانی سابق). دوره‌ی ۸، شماره‌ی ۳، صص ۵۲-۲۷.
۲. اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۶). امنیت و ابعاد آن در قرآن، فصلنامه‌ی مطالعات اسلامی، شماره‌ی ۵۷، صص ۳۹-۱۱.
۳. اداره‌ی ثبت اسناد و املاک شهرستان شیروان و چرداول، اطلاعات انتقال اسناد زمین‌های منطقه‌ی رودبار به نام سد سیمره، ۱۳۸۶.
۴. اداره‌ی ثبت اسناد و املاک شهرستان کوهدشت، اطلاعات انتقال اسناد زمین‌های منطقه‌ی رودبار به نام سد سیمره، ۱۳۸۶.
۵. ازکیا، مصطفی، غفاری، غلامرضا (۱۳۸۰). پژوهش و جامعه: بررسی رابطه‌ی بین انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی سازمان‌یافته‌ی روستاییان در نواحی روستایی شهرستان کاشان، اقتصاد کشاورزی و توسعه. سال نهم، شماره‌ی ۳۶. صص ۲۰۶-۱۷۴.
۶. آیزنشات، شموئل نواح (۱۳۷۷). شکست‌های نوسازی، ترجمه‌ی هاله لاجوردی. ارغنون، شماره‌ی ۱۳، صص ۲۰۸-۱۹۱.
۷. برج، رابل جی (۱۳۸۹). راهنمایی عملی تأثیرات اجتماعی، ترجمه‌ی محمدعلی رضانی و مرتضی قلیچ، چاپ اول، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
۸. بوستانی، داریوش (۱۳۸۹). تحلیل کیفی پیوند فراغت و هویت در میان دانش آموزان دبیرستانی (مطالعه‌ی موردی شهر شیراز)، مجله‌ی علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره‌ی دوم، صص ۳۵-۱.
۹. توسلی، غلامعباس، موسوی، مرضیه (۱۳۸۴). مفهوم سرمایه در نظریات کلاسیک و جدید، نامه علوم اجتماعی، شماره‌ی ۲۶. صص ۳۲-۱.
۱۰. جمعه‌پور، محمد (۱۳۸۵). مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه‌ی روستایی: دیدگاه‌ها و روش‌ها، چاپ دوم، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۱. جمینی، داود، ذوالفقاری، امیرعلی، نصرآبادی، زهرا، قبادی، شادی (۱۳۹۵). چالش‌های زیست‌محیطی و اثرات آن بر ساکنین روستای بدرآباد با استفاده از روش نظریه‌ی بنیانی، جغرافیا و پایداری محیط، شماره‌ی ۱۹، صص ۸۷-۷۱.
۱۲. جهاد کشاورزی شهرستان کوهدشت، اطلاعات اراضی روستاهای منطقه، ۱۳۶۰.
۱۳. حمیدیان، علیرضا (۱۳۸۸). بررسی پیامدهای اجتماعی و اقتصادی سد خاکی روستای کمیز سبزواری، انتشارات دانشگاه تربیت معلم سبزواری.
۱۴. حیدری، آرمان (۱۳۹۳). بررسی تأثیر نحوه‌ی عملکرد سازمان‌های رسمی بر اعتماد نهادی شهروندان یاسوجی، فصلنامه‌ی جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، شماره‌ی ۲ (۱)، صص ۱۰۶-۷۷.
۱۵. رحمتی، علیرضا، نظریان، اصغر (۱۳۸۹). آثار اقتصادی و اجتماعی و محیط زیستی سکونت‌گاه‌های مشمول جابه‌جایی ناشی از ایجاد سدها (مطالعه‌ی موردی: سد گتوند علیا و رودخانه‌ی کارون)، فصلنامه‌ی پژوهش‌های محیط‌زیست، سال اول، شماره‌ی ۲. صص ۶۶-۵۳.
۱۶. رضوانی، محمدرضا، کوبی، لیلا، منصوریان، حسین (۱۳۹۲). تأثیر اسکان مجدد بر کیفیت زندگی روستاهای آسیب‌دیده از سوانح طبیعی (مطالعه‌ی موردی: شهرک زنجیران و شهرک ایثار-استان فارس)، نشریه‌ی مسکن و محیط روستا، شماره‌ی ۱۴۴. صص ۱۰۶-۸۷.
۱۷. سایت مرکز آمار ایران، www.amar.org.
۱۸. سلیمی ترکمانی، حجت (۱۳۹۰). بررسی مشکلات زیست‌محیطی دریاچه‌ی ارومیه از منظر حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، راهبرد، شماره‌ی ۲ (۵۸)، صص ۲۰۲-۱۷۷.
۱۹. طالب، مهدی (۱۳۹۱). شیوه‌های علمی مطالعات اجتماعی (روش تحقیق کمی و کیفی)، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۰. فرمانداری شهرستان شیروان، آمار جمعیتی روستاهای شهرستان در سال ۷۵.
۲۱. فرمانداری شهرستان کوهدشت، آمار جمعیتی روستاهای شهرستان کوهدشت در سال ۱۳۷۵.
۲۲. فرهنگ آبادی‌های کشور سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان شیروان و چرداول، ۱۳۶۵.

۲۳. فرهنگ آبادی‌های کشور سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان کوهدشت، مهرماه ۱۳۶۵.
۲۴. فلیک، اووه (۱۳۹۲). درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه‌ی هادی جلیلی، چاپ ششم، تهران: نشر نی.
۲۵. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۰). پیامدهای مدرنیته، ترجمه‌ی محسن ثلاثی. تهران: نشر نی.
۲۶. محمدپور، احمد، ایمان، محمدتقی (۱۳۸۷). بازسازی معنایی پیامدهای تغییرات اقتصادی در منطقه‌ی اورامان تخت کردستان ایران: رفاه اجتماعی، دوره‌ی ۷، شماره‌ی ۲۸، صص ۲۱۳-۱۹۱.
۲۷. مرکز بهداشت شهرستان سیروان، آمار جمعیت روستاهای منطقه‌ی عرب رودبار، سال ۱۳۹۶.
۲۸. مرکز بهداشت شهرستان کوهدشت، آمار جمعیت روستاهای شهرستان کوهدشت، سال ۱۳۹۶.
۲۹. ملیک‌حسینی، افسانه، میرک‌زاده، علی‌اصغر (۱۳۹۳). بررسی آثار اجتماعی و اقتصادی سد سلیمان‌شاه بر روی مردم منطقه، نشریه‌ی جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، سال ۱۹، شماره‌ی ۵۳، پاییز ۹۴، صص ۳۵۱-۳۲۵.
۳۰. میرزائی، علی، هاشمی، سیدضیاء، حیدری، کاوس، میرزایی، حسین (۱۳۹۰). تأثیر اجتماعی ساخت سدها بر مردم حوضه‌ی تحت تأثیر سد، با بررسی سه سد بزرگ، کارون ۳ و ۴ و گتوند اولیا، اولین کنفرانس بین‌المللی و سومین کنفرانس ملی سد و نیروگاه‌های برقایی، تهران، ایران.
31. Aguirre, I. (2005). Social Investigation of the communities Affected by the Chixoy dam, rights action, Washington, DC. Panel appraisal, volume 21, Issue 3, pp 215-224.
32. Aird Sarah, c. (2001). Chain three Gorges: the Impact of Dam construction on Emerging Human Rights. American University Washington College of Law.
33. Hossain, F., Jeyachandran, I., & Pielke Sr, R. (2010). Dam safety effects due to human alteration of extreme precipitation. Water resources research, volume 46 (3).
34. McCully, patrik, Sileneced Rivers (1996). The ecology and politics of large dams. London: zed books.
35. Namy, S, Evans, D, J. (2007). Addressing the Social Impact of Large Hydropower Dams. The Journal of International Policy Solutions. p12.
36. Patton, M. Q. (1987). How to use Qualitative Methods in Evaluation. London: sage.
37. Strauss, A, Corbin, j (1998). Basics of Qualitative Research. London: sage.
38. Tilt, B, Braun, Y, Hedaming, D. (2008). Social impacts of large dam projects: A comparison of intenational case studies and implications for best practice. Journal of environmental management, volume 90, issue 17, pp 249-257.
39. Tahmiscioglu, M, Sati Anul, n, Ekmekc F, Durmus N. (2007). Positive And Negative Impacts Of Damson The Environment. International Congress on River Basin Management Turkey. Volume 2, pp 759-769.